

بررسی رضایت دانش‌آموزان دوره متوسطه نظری از انتخاب رشته خویش و عوامل موثر بر آن

انسیه مرادی^۱
مهناز اخوان تفتی^۲

تاریخ پذیرش: ۹۲/۳/۱۲

تاریخ وصول: ۹۲/۱/۱۸

چکیده

هدف این پژوهش تعیین عوامل موثر بر رضایت دانش‌آموزان شاخه نظری دوره متوسطه از انتخاب رشته شان بوده است. جامعه پژوهشی شامل تمامی دانش‌آموزان دختر و پسر سال دوم دوره‌ی متوسطه نظری است که در سال تحصیلی ۸۸-۸۹ مشغول به تحصیل بودند. با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای تعداد ۲۰۹ نفر از آنان به عنوان نمونه انتخاب گردیدند که تعداد ۱۴ نفر از آنان به صورت تصادفی در مصاحبه مشارکت کردند. به منظور گردآوری داده‌ها از یک پرسشنامه چهار ارزشی شامل بیست سوال، به همراه مصاحبه استفاده گردید. روائی پرسشنامه توسط سه تن از اساتید تایید و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۸۹ تعیین گردید. همچنین در راستای پژوهش دو پرسش و شش فرضیه مطرح گردید. تجزیه و

۱- کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه الزهرا

۲- دانشیار گروه روان‌شناسی، تربیتی، دانشگاه الزهرا

تحلیل داده‌ها با استفاده از روش‌های آمار توصیفی شامل فراوانی و درصد ویژگی‌های جمعیت شناختی نمونه پژوهش از قبیل معدل سال گذشته آنان و میزان تحصیلات پدر و مادر دانش‌آموزان و آمار استنباطی شامل مجذورکا، آزمون ضرایب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون همزمان صورت گرفت. نتایج نشان داد که همبستگی مثبت و معناداری میان رضایت دانش‌آموزان و متغیر علاقه شخصی و همبستگی منفی و معناداری میان رضایت دانش‌آموزان و کیفیت خدمات مشاوره‌ای و نحوه انتخاب رشته در سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ وجود دارد. اما رابطه این متغیر با متغیر نظر والدین در سطح خطای کمتر از ۰/۰۵ معنادار نمی‌باشد. نتایج آزمون مجذورکا نیز نشان داد که بین تناسب رشته تحصیلی با تواناییهای دانش‌آموزان و رضایت آنان از انتخاب رشته‌اشان رابطه معناداری وجود دارد. همچنین نتایج بیانگر وجود ارتباط بین اولویت شغلی آینده و رضایت از انتخاب رشته بوده است. در این پژوهش عوامل موثر بر رضایت از انتخاب رشته به ترتیب، علاقه شخصی، اولویت شغلی آینده و توصیه مشاور بوده و نظر والدین کمترین نقش را داشته است. علاوه بر آن نتایج مجذورکا نشان داد که بین دانش‌آموزان دختر و پسر از لحاظ میزان رضایت از انتخاب رشته خویش تفاوت معناداری وجود ندارد. اما بین دانش‌آموزان رشته‌های مختلف نظری از لحاظ میزان رضایت از انتخاب رشته خویش تفاوت معنادار است بدین صورت که بیشترین رضایت را دانش‌آموزان رشته علوم انسانی و کمترین رضایت را دانش‌آموزان رشته علوم ریاضی- فیزیک از انتخاب رشته‌شان دارند. از یافته‌های دیگر این پژوهش رضایت دانش‌آموزان از الزام انتخاب رشته در سال اول دبیرستان بوده است.

واژگان کلیدی: رضایت از انتخاب رشته، شاخه نظری دوره متوسطه.

مقدمه

در جهان امروز نظام آموزش و پرورش به یکی از مهمترین و پیچیده ترین نظام‌های اجتماعی در هر کشوری تبدیل شده است. از آنجا که این نهاد اجتماعی با رشد و توسعه اجتماعی،

۱۳۸۳). یکی از ویژگی‌های مهم این طرح توجه به لزوم وجود برنامه راهنمایی برای آشنا ساختن دانش‌آموزان با امکانات شغلی و حرفه‌ای آینده و کمک به آنان برای انتخاب رشته بود که این وظیفه برعهده مشاوران مدارس گذاشته شد و آنان با توجه به ۱- عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان، ۲- نظر و علاقه دانش‌آموزان، ۳- عملکرد دانش‌آموزان در آزمون‌های علاقه و استعداد، ۴- نتایج مندرج در پرونده تحصیلی دوره راهنمایی ۵- مشاهدات دبیران از فعالیت‌های دانش‌آموزان، این امر مهم را انجام می‌دادند. از زمان اجرای طرح جدید آموزش متوسطه تا کنون، بررسی‌های اندکی در مورد موفقیت این طرح در هدایت تحصیلی دانش‌آموزان صورت گرفته است یکی از تحقیقات پایان‌نامه‌ای انجام گرفته در این مورد نشان می‌دهد که دانش‌آموزان براساس استعداد، علاقه، پیشرفت تحصیلی و فرایند صحیح هدایت تحصیلی به رشته‌های مختلف هدایت نشده‌اند بلکه دانش‌آموزان قوی (از نظر نمرات درسی) به رشته ریاضی-فیزیک، دانش‌آموزان متوسط به رشته علوم تجربی و دانش‌آموزان ضعیف به ناچار به رشته علوم انسانی سوق داده شده‌اند (زندوانیان نائینی، ۱۳۸۵). تحقیق دیگر انجام شده در این مورد نیز نشان داده که گرچه دانش‌آموزان و کادر آموزشی نگرش مثبتی نسبت به مشاوره تحصیلی دارند، اما آگاهی آنان از مشخصات رشته‌های تحصیلی زیاد نبوده و در عمل به ملاک‌های هدایت تحصیلی کمتر توجه شده و انتخاب رشته بیشتر با توجه به عوامل موثری مانند ارزش اجتماعی رشته تحصیلی در جامعه و نفوذ والدین صورت می‌گیرد (سلیمان نژاد، ۷۸). همچنان که بر طبق آمار آموزش و پرورش در سال تحصیلی ۸۷-۱۳۸۸ از کل دانش‌آموزان سال دوم مقطع متوسطه نظری، ۵۰/۴۱ درصد در رشته ریاضی-فیزیک، ۲۵/۷۱ درصد در رشته علوم تجربی و ۲۳/۸۶ درصد نیز در رشته علوم انسانی مشغول تحصیل بوده‌اند که این آمار گویای عدم تناسب بین گرایش دانش‌آموزان به رشته‌های مختلف نظری می‌باشد. از آنجا که در این عصر یکی از مهمترین مسائل آموزشی-پرورشی این است که جوانان متناسب با علائق و استعدادهای خود برای انتخاب رشته تحصیلی و حرفه راهنمایی شوند و با توجه به آن که نظام کنونی آموزش متوسطه از رویدادهای تازه اجتماعی و تربیتی است که از عمر آن بیش از یک

نمونه‌گیری به روش تصادفی خوشه‌ای مرحله‌ای انجام گرفت که این امر به دلیل گستردگی توزیع جغرافیایی جامعه پژوهشی و در دسترس نبودن افراد آن بوده است که طی آن از ۱۹ منطقه آموزشی شهر تهران ۲ منطقه به طور تصادفی انتخاب و در مرحله بعد از هر منطقه دو مدرسه شامل یک مدرسه پسرانه و یک مدرسه دخترانه به طور تصادفی انتخاب شده و در مرحله آخر از هر مدرسه سه کلاس شامل یک کلاس ریاضی-فیزیک، یک کلاس علوم تجربی و یک کلاس علوم انسانی به صورت تصادفی انتخاب و تحقیق در مورد آنها انجام گرفت. مجموع دانش‌آموزان در کلاس‌های انتخاب شده ۲۰۹ نفر بود که پرسشنامه را پر نموده و از هر کلاس یک یا دو نفر نیز به طور تصادفی انتخاب و با آنها مصاحبه شد که در مجموع با ۱۴ نفر مصاحبه انجام گرفت. ابزار استفاده شده در این تحقیق نیز پرسشنامه و مصاحبه بود. استفاده از پرسشنامه به دلیل دسترسی به آزمودنی‌های بیشتر و جمع‌آوری داده‌های بیشتر از آنها و استفاده از مصاحبه به دلیل اطمینان حاصل نمودن از نتایج به دست آمده از اجرای پرسشنامه بوده است به همین جهت یک پرسشنامه محقق ساخته که سوال‌های آن با توجه به اهداف پژوهش و سوال‌های پژوهشی طرح شده بودند به تک تک آزمودنی‌ها داده شد که شامل ۲۰ پرسش بود. روائی پرسشنامه توسط سه تن از اساتید تایید و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، ۰/۸۹ تعیین گردید. در مرحله بعد نیز تعداد ۱۴ نفر از آزمودنی‌ها به صورت تصادفی انتخاب و با آنها مصاحبه‌ای در راستای سوال‌های پرسشنامه انجام گرفت.

یافته‌های پژوهش

تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش‌های آمار توصیفی شامل فراوانی و درصد ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه پژوهش از قبیل معدل سال گذشته آنان و میزان تحصیلات پدر و مادر دانش‌آموزان و آمار استنباطی شامل مجذور کا، آزمون ضرایب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون همزمان صورت گرفت. همچنین جهت تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده از مصاحبه‌ها از تحلیل محتوا استفاده گردید. یافته‌های پرسش اول: آیا دانش‌آموزان دوره متوسطه

انتخاب رشته‌شان رابطه معنادار نمی‌باشد. بدین معنا که نظرحمکلاسی‌های دانش‌آموزان درمورد انتخاب رشته آنان تأثیری بر میزان رضایت آنان از رشته‌شان ندارد.

آنگونه که از نتایج آزمون معذورکا مبنی بر رابطه بین احساس رضایت از انتخاب اولویت شغلی آینده و میزان رضایت دانش‌آموزان از انتخاب رشته‌شان، مشخص می‌شود بین احساس رضایت از انتخاب اولویت شغلی آینده و میزان رضایت از انتخاب رشته‌شان رابطه معنادار است. بدین صورت که دانش‌آموزانی که احساس رضایت زیادی از انتخاب اولویت شغلی آینده‌شان دارند از انتخاب رشته‌شان نیز به میزان زیادی رضایت دارند.

نتایج به دست آمده از آزمون معذورکا مبنی بر رابطه بین تناسب اولویت شغلی مورد نظر دانش‌آموزان با توانایی‌هایشان و میزان رضایت آنان از انتخاب رشته‌شان، حاکی است که این رابطه معنادار بوده بدین معنا که دانش‌آموزانی که معتقدند اولویت شغلی مورد نظرشان به میزان زیادی با توانایی‌هایشان تناسب دارد از انتخاب رشته‌شان نیز به میزان زیادی اظهار رضایت نموده‌اند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که یکی دیگر از عوامل موثر در رضایت دانش‌آموزان از انتخاب رشته‌شان تناسب اولویت شغلی آنان با توانایی‌هایشان می‌باشد.

۱- یافته‌های فرضیه اول پژوهش: علاقه بر رضایت دانش‌آموزان از انتخاب رشته‌شان تأثیر دارد. با توجه به آنکه نتیجه آزمون تحلیل رگرسیون همزمان ($R=0/669$) با مقدار $F_{6,185}=62/36$ و نیز ضریب رگرسیون ($b=0/26$) به دست آمده، اثر معناداری را در سطح خطای کمتر از $0/01$ نشان داده است، می‌توان اینگونه استنباط کرد که متغیر پیش بین علاقه بر روی متغیر ملاک رضایت از انتخاب رشته تأثیرگذار می‌باشد. تاکنون پژوهشی در مورد تأثیر علاقه بر رضایت از انتخاب رشته انجام نگرفته است و از این جهت این یافته، جدید می‌باشد اما در مورد تأثیر علاقه در انتخاب رشته تحقیقات چندی انجام گرفته است که نتایج به دست آمده از آنها با یکدیگر مغایر می‌باشد به این صورت که در اکثر تحقیقات انجام شده پیشین همانند تحقیق هیبت‌اللهی (۱۳۷۱) با عنوان بررسی علل گرایش دانش‌آموزان دوره متوسطه به رشته‌های مختلف تحصیلی، بالی تیرکده (۱۳۷۴) با عنوان بررسی عوامل موثر در هدایت تحصیلی - شغلی

توسط دانش‌آموزان پسر مستعد سال اول دبیرستان‌های مشهد از دیدگاه دانش‌آموزان و مدیران در سال تحصیلی ۷۳-۷۴، بالی تیر کده (۱۳۷۴) به نقش والدین در انتخاب رشته فرزندانشان اشاره شده است. در تحقیق شعاع کاظمی (۱۳۷۸) با عنوان بررسی میزان تاثیر ارائه اطلاعات تحصیلی - شغلی شاخه بهداشتی - درمانی بر گزینه‌های تحصیلی - شغلی دانش‌آموزان دختر دوره پیش دانشگاهی رشته علوم تجربی منطقه ۲ آموزش و پرورش شهر تهران و نظری (۱۳۷۱) نیز به اجبار والدین به فرزندانشان برای انتخاب رشته مورد نظر خود اشاره شده است. همچنین در تحقیق اعلائی هره دشت (۱۳۷۶) با عنوان ارزشیابی ملاک‌های هدایت تحصیلی نظام جدید آموزش متوسطه، تاثیر پذیری از نظر والدین و اقدام به انتخاب رشته بر اساس توصیه یا حتی اجبار والدین و همچنین تاثیر پذیری از نظر سایرین از جمله دوستان، دبیران، مدیران مدارس، خواهران و برادران بزرگتر، و اقوام گزارش شده است، اما در این تحقیق مشخص گردیده که تنها ۹/۲ درصد دانش‌آموزان مورد مطالعه در انتخاب رشته، اولویت اولشان را نظر والدین دانسته‌اند، که این یافته مغایر با یافته‌های تحقیقات پیشین می‌باشد. بنابراین به نظر می‌رسد که با افزایش توجه و مسئولیت پذیری دانش‌آموزان در انتخاب رشته خویش، از اعمال نظر و فشار والدین در این زمینه کاسته شده است که این نکته نوید بخش انتخاب‌های راستین برخاسته از علاقه و متناسب با توانایی‌های دانش‌آموزان در آینده است.

۳- یافته‌های فرضیه سوم پژوهش: کیفیت خدمات مشاوره‌ای مدرسه بر رضایت دانش‌آموزان از رشته‌شان تاثیر دارد. با توجه به معناداری ضریب رگرسیون به دست آمده از آزمون تحلیل رگرسیون همزمان ($b=0/1$) در سطح خطای کمتر از ۰/۰۵، می‌توان نتیجه گرفت که متغیر پیش بین کیفیت خدمات مشاوره‌ای بر متغیر ملاک رضایت از رشته تاثیر گذار می‌باشد. در تحقیقات زیادی که تاکنون انجام گرفته همانند میرزاده (۱۳۷۹)، محمدی احمدآبادی (۱۳۸۳) با عنوان بررسی عوامل سازمانی موثر در هدایت توجه به رشته‌های شاخه نظری از دیدگاه دبیران و دانش‌آموزان سال دوم متوسطه شهرستانهای اردکان و میبد در سال تحصیلی ۸۲-۸۳ به منظور فراهم سازی پیشنهادهایی برای اصلاح برنامه‌های درسی سال اول متوسطه،

رشته دانش‌آموزان می‌باشد همانند تحقیق هییت الهی (۱۳۷۱) که منزلت اجتماعی و آینده شغلی رشته را درانتخاب آن توسط دانش‌آموزان موثر دانسته، تحقیق محمودی (۱۳۷۴) که جذبه‌های شغلی و منزلت اجتماعی را دارای تاثیر زیاد درانتخاب رشته دانش‌آموزان دانسته و تحقیق بالی تیرکده (۱۳۷۴) که منزلت اجتماعی رشته را درانتخاب آن توسط دانش‌آموزان موثر دانسته است. در این پژوهش این یافته به دست آمده که $23/5$ درصد دانش‌آموزان اولویت اول خویش را درانتخاب رشته آینده شغلی آن دانسته‌اند، که این درصد بعد از درصد دانش‌آموزانی که علاقه را اولویت اول خویش دانسته‌اند در برگیرنده‌ی بیشترین درصد دانش‌آموزان می‌باشد. این نکته یافته مهمی است که در تحقیقات پیشین به آن پرداخته نشده است.

۵- یافته‌های فرضیه پنجم پژوهش: بین دختر و پسر از لحاظ میزان رضایت از انتخاب رشته تفاوت وجود دارد. از آنجا که مقدار مجذور کای به دست آمده ($X^2=0/86$) از مقدار مجذور کای بحرانی ($X^2=5/99$) با درجه آزادی ۲ و احتمال خطای کمتر از $0/05$ کوچکتر می‌باشد ($P=0/295$)، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بین دانش‌آموزان دختر و پسر از لحاظ رضایت از انتخاب رشته خویش تفاوت معناداری وجود ندارد. این یافته، یافته جدیدی است که در تحقیقات پیشین به آن پرداخته نشده است و نشان دهنده این امر است که عوامل گوناگون دیگر بیشتر از عامل جنسیت در رضایت از انتخاب رشته دانش‌آموزان دخالت دارد.

۶- یافته‌های فرضیه ششم پژوهش: بین رضایت دانش‌آموزان رشته‌های مختلف از انتخاب رشته‌شان تفاوت وجود دارد. با توجه به آنکه مقدار مجذور کای محاسبه شده ($X^2=20/49$) از مقدار مجذور کای جدول ($X^2=13/28$) با درجه آزادی ۴ و احتمال خطای کمتر از $0/01$ بزرگتر می‌باشد، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بین دانش‌آموزان رشته‌های مختلف دوره متوسطه نظری از لحاظ میزان رضایت از انتخاب رشته‌شان تفاوت معناداری وجود دارد. نکته‌ای که در این جا می‌بایست اشاره کرد این است که در میان دانش‌آموزان سه رشته ریاضی-فیزیک، علوم تجربی و علوم انسانی بیشترین میزان رضایت مربوط به دانش‌آموزان رشته علوم انسانی و

علاوه بر این نکات قابل توجه دیگری نیز در مصاحبه‌ها وجود داشت که به آنها اشاره می‌شود. نکته اول اینکه والدین همچنان نگران انتخاب رشته فرزندانشان بوده و معمولاً رشته خاصی را به آنها پیشنهاد می‌نمایند. از بین والدین مادران بیش از پدران در امر انتخاب رشته فرزندانشان دخیل بوده و البته حساسیتشان نسبت به دخترانشان بیش از پسرانشان می‌باشد بدین صورت که موافقت آنان با رشته انتخابی دخترانشان کمتر از موافقتشان با رشته انتخابی پسرانشان می‌باشد در صورتی که بین میزان موافقت پدران با رشته انتخابی دختران و پسرانشان تفاوتی دیده نمی‌شود. البته اکثریت دانش‌آموزان توجه به رشته پیشنهادی والدین خود را کم دانسته و اظهار می‌دارند که بیشترین نقش را در انتخاب رشته، خود آنان داشته‌اند. نکته دوم اینکه حساسیت والدین بیشتر در مورد هنرستان‌ها می‌باشد که فرزندان خویش را از رفتن به رشته‌های موجود در هنرستان‌ها منع کرده و دلیلشان برای این ممانعت، شانس کم قبولی در دانشگاه و محیط نامناسب هنرستان‌ها می‌باشد و اکثر دانش‌آموزان نیز که تمایل زیادی به ادامه تحصیل در دانشگاه دارند این امر را پذیرفته و از رشته انتخابی شان هم اعلام رضایت می‌نمایند تنها تعداد کمی علاقه به رشته دیگری را حفظ کرده و از تحصیل در رشته کنونی شان ناراضی هستند. نکته قابل تعمق دیگر عدم رضایت دانش‌آموزان از خدمات مشاوره‌ای مدرسه شان و به خصوص راهنمایی‌های مشاور مدرسه می‌باشد بدین صورت که اکثر دانش‌آموزان اظهار داشته‌اند که سهم مشاور مدرسه در انتخاب رشته ایشان بسیار کم بوده و تعدادی از آنها حتی به مشاورین بیرون از مدرسه مراجعه نموده‌اند. دانش‌آموزان همچنین از نحوه تدریس درس برنامه‌ریزی تحصیلی - شغلی ناراضی هستند و گرچه مطالب موجود در کتاب را مفید می‌دانند اما معتقدند در مدرسه توجه لازم به این درس صورت نگرفته و خواستار افزایش اطلاعات تحصیلی - شغلی ارائه شده به خود هستند. نکته دیگری که در گفته‌های دانش‌آموزان مشهود بود عدم تصمیم‌گیری قطعی آنها در مورد رشته دانشگاهی شان می‌باشد. گرچه اکثر آنها رشته‌ای را برای ادامه تحصیل در نظر دارند اما بیشتر مایلند که وارد دانشگاه شوند و ادامه تحصیل دهند تا اینکه در رشته مورد علاقه شان تحصیل کنند.

شغل آینده خود را داشته باشند از طریق هماهنگی بین وزارت آموزش و پرورش و سایر نهادها امکان بازدید هرچه بیشتر دانش‌آموزان از مراکز تحصیلی و شغلی فراهم شود.

- با توجه به اهمیت درس برنامه‌ریزی تحصیلی - شغلی در آشنا ساختن دانش‌آموزان با رشته‌های تحصیلی مختلف و مشاغل مرتبط با این رشته‌ها، توجه به تدریس این درس توسط افراد با صلاحیت در دستور کار مسئولان آموزش و پرورش قرار گیرد.

- برای بهبود خدمات مشاوره‌ای مدارس تدبیری اندیشیده شده و اقدامی جدی در جهت رفع مشکلات مشاوران در انجام وظایف محوله شان به عمل آید.

کاستی‌های پژوهشی

- یکی از کاستی‌های این پژوهش استفاده از پرسشنامه به عنوان ابزار پژوهش بود زیرا این ابزار به خودی خود دارای محدودیت‌هایی است که سعی شد با استفاده از اطلاعات تکمیلی به دست آمده از مصاحبه‌ها این محدودیت‌ها به حداقل برسد.

- از آنجا که این پژوهش در دو منطقه آموزشی شهر تهران انجام گرفته، تعمیم‌پذیری نتایج با محدودیت همراه است.

منابع فارسی

اعلایی هره دشت، غلامحسین. (۱۳۷۶). ارزشیابی ملاک‌های هدایت تحصیلی نظام جدید متوسطه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.

بالی تیرکده، محمدولی. (۱۳۷۴). بررسی عوامل موثر در هدایت تحصیلی - شغلی دانش‌آموزان نظام جدید آموزش متوسطه برای انتخاب رشته تحصیلی و شغل آینده خویش در شهرستان نوشهر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.

سال تحصیلی ۸۲-۸۳ به منظور فراهم سازی پیشنهادهایی برای اصلاح برنامه های درسی سال اول متوسطه. *پایان نامه کارشناسی ارشد*. دانشگاه تربیت معلم.

محمودی، حسن. (۱۳۷۴). بررسی وضعیت انتخاب رشته تحصیلی توسط دانش آموزان پسر مستعد سال اول دبیرستان های مشهد از دیدگاه دانش آموزان و مدیران در سال تحصیلی ۷۳-۷۴. *پایان نامه کارشناسی ارشد*. دانشگاه علامه طباطبائی.

میرزاده، شجاع. (۱۳۷۹). بررسی علل گرایش دانش آموزان به رشته های مختلف شاخه نظری از دیدگاه دبیران و دانش آموزان سال دوم آموزش متوسطه شهرستان بندرعباس در سال تحصیلی ۷۸-۷۹. *پایان نامه کارشناسی ارشد*. دانشگاه تربیت معلم.

نظری، حمیده. (۱۳۷۱). بررسی میزان پایداری دانش آموزان در رشته های انتخابی خود پس از راهنمایی تحصیلی و حرفه ای. *پایان نامه کارشناسی ارشد*. دانشگاه تهران.

هیبت الهی، سید محمد. (۱۳۷۱). بررسی علل گرایش دانش آموزان دوره متوسطه به رشته های مختلف تحصیلی. *پایان نامه کارشناسی ارشد*. دانشگاه تربیت معلم.

منابع انگلیسی

- Mihyeon, Kim.(2010) Preferences of high achieving high school students in their career development. Gifted and talented international*
- Mancini.Taylor. (2011)The counseling challenge; balancing student interests with societal pressures. Online sub mission*
- Reese.Susan (2010) A Leading Role of Career Guidance Counselors. Techniques connecting education and careers.*